

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهرا (س)

سال بیستم، دوره جدید، شماره 6، پیاپی 85، تابستان 1389

نقش دوگانه حزب دموکرات ایران در مشارکت سیاسی زنان

سیمین فصیحی^۱

مریم نوری امیر آبادی^۲

چکیده

این مقاله به بررسی نقش و تاثیر حزب دموکرات ایران در مشارکت سیاسی زنان، در فاصله سال‌های 1320-1332، می‌پردازد. نتیجه این پژوهش، که با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی سامان یافته است، این است که حزب دموکرات در مشارکت سیاسی زنان نقشی دوگانه و متضاد داشته است؛ از سویی گروهی از روشنفکران این حزب با مطالبات جنبش زنان همراه شدند و همین امر با به‌کارگیری امکانات وسیع این حزب در جهت بسترسازی‌های فرهنگی و اجتماعی برای مشارکت سیاسی توانست به ترویج فرهنگ فعالیت‌های حزبی زنان و از آنجا به ارتقاء مشارکت سیاسی زنان منجر شود و از سویی دیگر، حزب دموکرات، به عنوان یک حزب دولتی، با خنثی کردن نقش مبارزه‌جویانه زنان فعال در جنبش زنان و تحریک دشمنی گروه‌های متعصب مذهبی، حساسیت و بدبینی مردم را

1. استادیار گروه تاریخ دانشگاه الزهرا fasihi@alzahra.c.ir

2. دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ دانشگاه الزهرا

تاریخ دریافت: 89/4/22، تاریخ تصویب: 89/6/14

به مسائل زنان دو چندان نمود و از مشارکت سیاسی زنان کاست. نشان دادن این نقش دوگانه در سه قسمت به هم پیوسته مقاله آمده است: در قسمت اول، حقوق سیاسی زنان از دیدگاه حزب دموکرات بررسی شده است تا نشان دهد که اصولاً این حزب مستند به مرامنامه، اساسنامه و آیین‌های حزبی چه دیدگاه سیاسی یا ایدئولوژیکی در قبال حقوق سیاسی زنان داشته است. قسمت دوم مقاله به بررسی نقش حمایت‌گرانه حزب دموکرات در جلب مشارکت زنان در امور سیاسی می‌پردازد. قسمت سوم مقاله نیز به نقش بازدارنده حزب در توسعه مشارکت سیاسی زنان پرداخته و بخش نتیجه‌گیری، چرایی این نقش دوگانه را با ارجاع به مسئله دولتی بودن حزب دموکرات تحلیل کرده است.

واژه‌های کلیدی: حزب دموکرات ایران، قوام السلطنه، تشکل‌های مستقل زنان (حزب زنان، شورای زنان)، سازمان زنان حزب توده، گروه‌های مذهبی

1. مقدمه

از ابتدای دهه بیست، مسئله حقوق و آزادی زنان همواره مرکز توجه و موضوع مجادله‌های متجددین متمایل به چپ (به رهبری حزب توده) و سنت‌گرایان محافظه‌کار مانند گروه‌های مذهبی و احزابی فرمایشی و وابسته به انگلستان مانند حزب اراده ملی بود.¹ اما در سال 1325 بسیاری از اعضای تشکل‌های مستقل مانند حزب زنان که، به ناچار، تا این زمان همراه زنان حزب توده وارد مبارزه علیه مرتجعین شده بودند، تحت تأثیر جو مساعد ناشی از بحران آذربایجان و بهبود وضع

1. حزب اراده ملی در بهمن ماه 1323 به رهبری سید ضیا الدین طباطبایی تاسیس شد. بیشتر محققین داخلی و خارجی در وابستگی وی و حزیش به دولت انگلیس اتفاق نظر دارند. رک. (آوری 1368: 228)، (آبراهیمان 1337: 174)، (طیرانی 1376: 54)، (تبریزی شیرازی 1379)

حقوقی زنان این منطقه به رهبری فرقهٔ دموکرات قرار گرفتند (فرمان، 1325: 1) و با جراید و مجامع روشنفکری و آزادی‌خواه، به‌ویژه، حزب آزادی (به رهبری ارسنجانلی و با نشریه داریا) همراه شدند که بیشتر، رویکرد حمایت‌گرایانه‌ای به مطالبات زنان داشتند و لزوم تشکیل مجلس مؤسسان برای رفع نواقص قانون اساسی مطابق با منشور ملل و در نتیجه، تساوی حقوق زن و مرد را مطرح ساخته و از دولت اصلاح‌طلب قوام خواستار رفع محرومیت زنان از شرکت در امور سیاسی شده بودند (خدایار 1325: 1-2؛ داریا 1325، ش 4: 234، 1). این روند موجب شد در نهایت، زنان به حزب دموکرات ایران به رهبری قوام پیوندند که در 8 یا 9 تیر سال 1325 پس از بازگشت قوام از مسکو شکل گرفته بود و طیف وسیعی از عناصر ضد حزب توده، از چپ افراطی تا راست محافظه‌کار (به رهبری سردار فاخر حکمت) را در خود جای داده بود.

هیئت مؤسس این حزب نامتجانس متجاوز از 200 نفر، قوام را به عنوان رهبر کل انتخاب نمود.¹ این حزب دولتی، کارمندان، کارگران، فرهنگیان را به سوی خود کشاند و دو سه هفته بعد از اعلام تشکیل، هر روز هزاران درخواست عضویت از طبقات مختلف دریافت می‌کرد (مدیر شانه‌چی 1384: 55، 66، 81-82). این حزب وعده داده بود که در قوانین مغایر با اصول مترقی، دموکراتیک و منشور ملل متفق، تجدید نظر خواهد کرد (داریا، 1325، ش 324: 1-4).

حزب دموکرات یک‌ماه پس از تأسیس در جبهه مؤتلف با حزب توده و حزب ایران ائتلاف نمود و در 14 مرداد سال 25 به دفاتر حزب توده حمله برد، اما با اقدامات شاه بر ضد قوام از 29 مهر سال 1326 و نه روز پس از استعفای قوام در 13 آذر همان سال، حزب دموکرات، همان‌گونه که بسیاری از جراید پیش‌بینی می‌کردند، در پی اختلاف درون‌حزبی ناشی از ناهمگونی بافت اعضای خود و به عنوان یک حزب از بالا و دستوری که افرادی را با انگیزه‌های مختلف جذب نموده بود،

1. مظفر فیروز، سردار فاخر حکمت، ابوالقاسم امینی، محمد ولی فرمانفرما، ملک الشعراء بهار، محمود محمود، حسن ارسنجانلی، عبدالحسین صادقی، ابوالحسن عمیدی نوری، زین‌العابدین فروزش، عباس نراقی، سید هاشم وکیلی، ابوالحسن حائری زاده، علی اکبر موسوی‌زاده، آشتیانی‌زاده و عباس شاهنده، از رهبران و اعضای کمیتهٔ مرکزی این حزب بودند و نشریات دیپلمات، فرمان، بهرام، پیک تهران، کارگران ایران، جوانان ایران، پیام جوانان، پرچم جوانان، دموکرات ایران، زندگی و... از سوی حزب منتشر می‌شد. (طیرانی، 1376: 504-505)

دچار تشتت شده و در نتیجه، با خروج برخی سران و اعضای فراکسیون حزبی مانند سردار فاخر، رئیس مجلس و سقوط کابینه قوام، در اواخر سال 1326 و اواسط سال 1327 از میان رفت (نامه مردم، 1326، ش 121: 1-2).

اگر این تعریف از حزب را برای تعیین شاخص‌های احزاب سیاسی ملاک کار خود قرار دهیم که؛ حزب «یک سازمان سیاسی است که از هم‌فکران و طرفداران یک آرمان تشکیل شده است و با داشتن تشکیلات منظم، برنامه‌های سیاسی کوتاه‌مدت و درازمدت برای نیل به آرمانش از دیگر اشکال سازمانی نظیر جبهه و گروه سیاسی مشخص می‌شود و معمولاً برای به‌دست گرفتن قدرت دولتی و یا شرکت در آن مبارزه می‌کند.» (علی آقا بخشی، مینو افشاری راد، 1379: 423) نمی‌توان از حزبی تقریباً دولتی مانند حزب دموکرات قوام کارکردهای توقع یک حزب سیاسی را داشت. اما این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که برخلاف احزاب دولتی، حزب دموکرات در فضای متکثر این سال‌ها ناگزیر بود به رقابت با دیگر احزاب بپردازد و قدرتی بلامنازع و انحصاری محسوب نمی‌شد. تأسیس این حزب به افزایش یک‌باره مشارکت سیاسی بخش گسترده‌ای از طبقات جامعه از قبیل زنان انجامید که هرچند عمرش به درازا نکشید، تأثیرات خود را بر جنبش زنان و روند مشارکت ایشان به جای گذاشت.

در تعریف مشارکت سیاسی نیز چنانچه بر نظر مایرون ونیر تکیه کنیم که مشارکت سیاسی تنها ناظر بر مشارکت در جوامع لیبرال دموکراتیک نیست و «هرگونه عمل داوطلبانه موفق و یا ناموفق، سازمان یافته یا بدون سازمان، دوره‌ای یا مستمر، شامل به‌کارگیری روش‌های مشروع و یا نامشروع برای تأثیر بر انتخاب سیاست‌های عمومی، اداره امور عمومی و انتخاب رهبران سیاسی در هر سطحی از حکومت محلی یا ملی» را دربر می‌گیرد (عبدالرضا فاضلی، 1378: 268)، می‌توان فی‌نفسه حضور زنان در حزب فرمایشی، دستوری و متکی به شخص قوام را نیز نوعی مشارکت سیاسی جهت تأثیر بر سیاست‌های عمومی دانست. بررسی چگونگی این مشارکت و ارزیابی نقش این حزب در آن با رویکردی تاریخی دغدغه اصلی این پژوهش است. در دهه بیست، پژوهش‌هایی در زمینه مشارکت سیاسی زنان، جنبش زنان و نیز رویکرد و عملکرد احزاب در خصوص حقوق زنان صورت گرفته است، که در جای خود ارزنده است، اما این تحقیقات تلاش خود را تنها به بررسی

سیر تشکل‌های زنان و دستاوردهای آن‌ها در زمینه مسائل و اهداف خاص زنان محدود نموده‌اند و به‌عنوان عاملی مهم از تعمق در تأثیر احزاب فعال در این سال‌ها بر عملکرد این تشکل‌ها به‌طور خاص و بر مشارکت سیاسی زنان به‌طور عام، خودداری کرده‌اند، یا به شکلی گذرا و تنها با ملاک قرار دادن میزان پیشرفت حقوق سیاسی زنان، نقش احزاب را در این زمینه منفی ارزیابی کرده و نیازی به مستندات تاریخی برای اثبات دیدگاه‌های خود ندیده‌اند. نمونه این تلاش‌ها را می‌توان در کتاب‌های جنبش حقوق زنان در ایران از الیز ساناساریان، مشارکت سیاسی زنان در ایران، اثر نسرین مصفا، تشکل‌های زنان و بخشی از کتاب عصر ملی‌گرایی در ایران، نوشته پروین پایدار با نام زن و فرایند سیاسی قرن بیستم، و مقاله زن و حزب در ایران، نوشته مرضیه مرتاضی لنگرودی یافت.

2. دیدگاه‌های دوگانه حزب دموکرات ایران نسبت به حقوق و مشارکت سیاسی زنان

قوام در نطق انتخاباتی خود در 5 آبان سال 1325 در رادیوی تهران انگیزه خویش را از تشکیل حزب، وحدت کامل میان طبقات به‌ویژه کلیه آزادی‌خواهان و تعلیم آزادی و دموکراسی در مکتب حزب اعلام نمود و مرام‌نامه حزب در رقابت با برنامه‌های اصلاحی و مترقیانه حزب دموکرات آذربایجان و حزب توده، از اصول اصلاح‌طلبانه و مترقی مانند تساوی حقوق زن و مرد و حق شرکت زنان در انتخابات عمومی و بلدی و... مشحون گردید (صدای مردم 1325، ش 19: 1، 2، 4؛ قیام ایران 1325، ش 139: 4). حزب دموکرات با اصول مندرج در مرام‌نامه‌اش و پذیرش زنان در سازمان زنان خود بر مشارکت سیاسی و حزبی زنان مهر تأیید زد و مخالفت طبقات سنتی و مذهبی را به جان خرید؛ چنانکه نماینده قوام در سندج برای ایجاد حزب، با مخالفت و اعتراض برخی از محترمین شهر به همین ماده مرام‌نامه مواجه شد (طیرانی 1376: 646-647) و عباس شاهنده در روزنامه فرمان چندین بار به مخالفت روحانیون با مرام‌نامه حزب که متضمن آزادی زنان بود، اشاره کرد (خواندنی‌ها، 1327، ش 62: 6)، حتی زمانی که حزب دموکرات اکثریت مجلس پانزدهم را کسب کرد، قوام از تقاضای تشکیل کنگره دوسالانه برای

حذف ماده مربوط به حقوق زنان خودداری کرد و در نتیجه، سه نماینده وابسته به بازار از حزب کناره‌گیری کردند (آبراهامیان، 1377: 300). با وجود این، در مورد تفکر کلی رجال این حزب نسبت به مشارکت زنان نمی‌توان چشم‌اندازی امیدوارکننده و یک‌دست ارائه کرد. هرچند بسیاری از اعضای حزب مانند آقای سردار فاخر حکمت و دکتر طبا از کسانی بودند که پیش از این یا در سال‌های بعد، به نحوی، از نهضت زنان و حقوق انتخاباتی ایشان حمایت کرده بودند (هوشمند راد 1360: 277؛ نبرد امروز 1326، ش 33؛ 2؛ ندای زنان 1326، ش 17: 2) خانم دولتشاهی از اعضای حزب می‌نویسد:

«انصافاً باید بگویم با این که من فکر می‌کردم این پیرمردها عقیده‌ای به زن ندارند، ولی من در برخورد و صحبت می‌دیدم که مرا جدی می‌گیرند، با وجود اینکه خیلی جوان بودم...» (افخمی 1381: 36)

اما ورود یک زن (خانم دولتشاهی) به شورای عالی و هم‌زمان هیئت تحریریه نشریه حزب، نشان‌دهنده موافقت حزب با ارتقاء زنان در سطوح بالای حزبی و جدیت ایشان در زمینه‌سازی ریشه‌ای مشارکت زنان نیست؛ چنانکه خانم دولتشاهی در جایی دیگر در تأیید این روحیه محافظه‌کاری و نگرش مقطعی و سطحی‌نگرانه اعضای حزب درباره مسائل زنان می‌نویسد:

«... از جمله بین دوستان حرف‌هایی می‌زدم از لحاظ اصلاحاتی که لازم است و همچنین در مورد مسائل زنان، آن‌ها می‌گفتند: این حرف‌ها را زن! می‌گفتم: چرا زنم؟ می‌گفتند: می‌گویند توده‌ای هستی می‌گفتم یعنی چه؟ این حرف‌ها چیزهایی است که برای پیشرفت اجتماع، برای پیشرفت زن لازم است، خوب، اگر توده‌ای‌ها هم این حرف را می‌زنند، پس آن‌ها هم درست می‌گویند...» (همان: 37)

نشریات حزب به ندرت، و آن‌هم در لفافه، در مورد مسئله حقوق انتخاباتی و بحث مشارکت سیاسی زنان به نظریه‌پردازی می‌پرداختند (دموکرات ایران 1325، ش مخصوص: 4؛ فرمان 1325، ش 1015: 1؛ زندگی 1325، ش 325: 2) و در مواردی نیز مقالاتی همچون سلسله مقالات جناب‌زاده با عنوان «زنان عامل انقراض ملل می‌باشند» و «واکنش‌های مکرر ضعف طبیعی علت سقوط زن است»، در نفی مشارکت زنان در سیاست و حکومت به چاپ می‌-

رساندند که حتی تساوی نیروی دماغی زن و مرد را زیر سؤال می‌برد (بهرام 1325، ش 6: 2؛ نجات ایران 1326، ش 829: 1، 3).

همه این‌ها نشان می‌دهد، حزب نه تنها هیچ برنامه مدونی بر اساس مرام‌نامه خویش برای تعمیم مشارکت سیاسی زنان نداشت، بلکه اعضایی کاملاً نامتجانس را گرد آورده بود که برای مصالح خاصی جمع گردیده و هنوز از تفکر مردسالارانه تبری نجسته‌اند؛ چنانکه وقتی بانو ناهید فخرایی در سخنرانی هفتگی حزب دموکرات در جمعه، 19 مهر 1325 درباره آزادی و حقوق زنان سخنرانی پرحرارتی نمود که پیش از این در جشن صد روزه حزب به شکل مناظره مورد پسند قوام قرار گرفته بود، مقصود حزب را از تساوی حقوق، تنها تساوی حقوق سیاسی و دست‌یابی به مقامات کشوری و اداری ندانسته و ضمن حمله به موقعیت مسلط مردان در حقوق مدنی در سه قانون ظالمانه حضانت فرزند، حق طلاق و حقوق مادی زن به رجال حزب تکلیف نمود که در هر موقعیتی که هستند برای این سه منظور اقدام نمایند، با مخالفت برخی رجال حزب چون فروزش مواجه شد (نجات ایران 1325، ش 765: 4، 1 و ش 766: 3). ویژگی‌هایی مانند توافق نداشتن در حوزه سیاست و اندیشه، ساختار مردسالارانه حزب و بهره‌گیری ابزاری از مسئله زنان بنا به مصالح سیاسی نمی‌تواند منعکس‌کننده رویکرد مثبت حزب در قبال مشارکت سیاسی زنان به‌ویژه در سطوح بالای حزب باشد.

در خوش‌بینانه‌ترین ارزیابی می‌توان گفت، حزب با پذیرش زنان به عضویت و تأیید تساوی حقوق زنان در مرام‌نامه خویش، کار خود را در مورد مشارکت زنان تمام شده می‌دانست و البته، تعدادی از اعضای حزب زنان برای اطمینان از تبدیل خواسته‌های خویش به سیاست‌گذاری‌های دولتی، به حزب دولتی قوام پیوستند که این امر با امضای قرارداد حل مسالمت‌آمیز مسئله آذربایجان در زمان قوام توسط نمایندگان دولت مرکزی و حکومت ملی آذربایجان در 23 خرداد 1325 و ماده 9 این موافقت‌نامه مبنی بر اعطای حق رأی زنان حتی در انجمن‌های ایالتی و ولایتی هم‌زمان با تشکیل مجلس 15 (ایران ما، ش 540: 1، 4؛ قیام ایران 1325، ش 129: 2) و وعده‌های حزب دموکرات قوام در مورد حقوق انتخاباتی زنان و قانون تعلیمات اجباری صورت گرفت.

3. نقش حمایت‌گرانه حزب دموکرات ایران در مشارکت سیاسی زنان

حتی پیش از تشکیل سازمان‌های حزبی توسط کارگزاران آن، اعلام می‌شد که این حزب، حزبی مبارز در راه آزادی و نبرد با ارتجاع و کهنه‌پرستی است و ورود و عضویت زنان و افسران واجد شرایط لازم در آن مانعی ندارد (نجات ایران 1325، ش 708: 1)، بنابراین، حزب در مدت کوتاهی قدرت زیادی به دست آورد و حتی در میان طبقات متوسط و نیز در شهرستان‌ها نفوذ یافت. در همان اوایل کار زنان و مردان از هر طبقه که جز دشمنی با حزب توده هیچ تجانسی با یکدیگر نداشتند، با شتاب به عضویت آن درآمدند دموکرات ایران 1325، ش مخصوص: 2-2؛ افخمی، 36)، بنابراین، حزب در یک‌ماه 4 کلوپ با عضویت 20 هزار نفر تشکیل داد و اولین میتینگ آن در 14 مرداد 1325 در روز جشن مشروطیت با حضور چند هزار نفر در میدان سپه انجام شد. در جشن صدمین روز تأسیس حزب، بیش از 50 هزار نفر شرکت داشته و رژه‌ای باشکوه انجام دادند. این حزب تنها حزبی بود که در آذر 1325 طی آگهی‌هایی اعلام کرد که دیگر اعضای جدید نمی‌پذیرد (دموکرات ایران 1326 ش مخصوص: 3 و 1325، ش 37: 3). بر اساس شواهد موجود، حزب دموکرات در رقابت با حزب توده بر تشکیل سازمانی مختص زنان اصرار داشت؛ زیرا این امر به یکی از شاخصه‌های مهم برای مدرن و دموکراتیک جلوه دادن احزاب مبدل شده بود، بنابراین، سازمان زنان حزب در پی اندک رایزنی‌هایی با زنانی فرهیخته چون خانم دولتشاهی، همانند ساختار خود حزب، به شکل دستوری و از بالا تأسیس شد. خانم دولتشاهی در این زمینه می‌گوید:

«... . یک روز در رادیو شنیدم که فلان روز خانم‌هایی که عضو حزب‌اند، بیایند. به من هم تلفن زدند که بیا. من رفتم و عده‌ای آمدند که بعضی‌ها را می‌شناختم و بعضی‌ها را نمی‌شناختم. . . از هر طبقه‌ای بودند؛ یکی خانم عصمت‌الملوک دولتداد بود، یکی ناهید فخرایی بود، یکی فخر ایران ارغون. . . بعداً خانم فاطمه سیاح آمد، خیلی از فرهنگی‌ها آمدند. یواش یواش ما شروع کردیم و تشکیلاتی دادیم و آیین‌نامه‌هایی نوشتیم. یکی از کارهایی که شروع کردیم مبارزه با بی‌سوادی بود. فعالیت ما خیلی زود نضج گرفت. از آن طرف هم در خود حزب مرا بردند در هیئت تحریریه روزنامه دموکرات ایران. در واقع آنجا مرا بیشتر

شناختند؛ چون من تحصیل ژورنالیستی کرده بودم. بعد مرا بردند به شورای عالی حزب که به اصطلاح مرجع بالایی بود. تنها زن بودم. بعدها هم در تاریخ کارهای زنان می‌نوشتند که اولین بار بود که زن در یک حزب سیاسی به گونه‌ای جدی شرکت کرد...» (افخمی 1381: 34-35)

منصوره پیرنیا ضمن تأیید گفته‌های خانم دولتشاهی معتقد است، قوام السلطنه و مردان کابینه او در حقیقت معتقد به استفاده از نیروی زن در کارهای اجتماعی و سیاسی، یا طرفدار پیشرفت زنان نبودند ولی جبر زمان بود و آن‌ها برای آنکه بگویند پیشرو هستند، زنان را وارد کارهای سیاسی کردند. (پیرنیا 1374: 107) به هر روی، نخستین جلسه سازمان زنان حزب دموکرات ایران روز 9 شهریور، 1325 تشکیل شد و هیئت مدیره به این شرح انتخاب شده و به سرعت شروع به کار کردند: خانم انصاری (مهرانگیز دولتشاهی) رئیس هیئت عامله، خانم‌ها فخر عادل خلعتبری، قمر زمان فرجام، فصیح الملوک سهام، زهرا خسروی، کوکب محمود پور، پروین الدوله ملک‌آرائی، سکینه وزیری الهی و فاطمه ضرغام اعضای هیئت. مدتی بعد، خانم‌ها دکتر فاطمه سیاح، توران وارسته و ناهید فخرایی به این جمع افزوده شدند. بر اساس سخنان خانم دولتشاهی، بنا به تصمیم حزب برای پیوستن دیگر جمعیت‌های زنان به حزب، با «حزب زنان»، مهم‌ترین تشکل مستقل زنان صحبت‌هایی شد و چون این‌ها در مذاکره با مظفر فیروز، معاون قوام بر حفظ استقلال خویش و تنها همکاری با حزب دموکرات تأکید داشتند، سرانجام، زنان عضو حزب زنان تصمیم گرفتند با تغییر نام حزب به «شورای زنان» امکان عضویت اعضایشان را در حزب دموکرات فراهم نمایند؛ به این ترتیب، تعدادی از اعضای شورای زنان هم‌زمان در حزب دموکرات نیز عضویت داشتند. حزب زنان کمی پیش از تشکیل حزب دموکرات با تأسیس انجمن معاونت عمومی زنان شهر تهران در 29 خرداد 1325 و همکاری با دولت در ارتقاء وضع اجتماعی و فرهنگی زنان به توافقی ناگفته با قوام رسیده بود (نجات ایران، 1325، ش 701: 3؛ و ش 702: 3)، به طوری که حتی بانو دولتشاهی این انجمن را نیز از ابتکارات حزب دموکرات می‌داند (افخمی 1381: 39)، اما اکنون اعضای این حزب با عضویت در حزب دولتی قوام سعی داشتند تا سرانجام مبارزه خود را برای

تساوی حقوق زنان که به دلیل محافظه‌کاری دولت‌های وقت و مخالفت گروه‌های متعصب مذهبی به بن بست می‌رسید به سرانجام برسانند.

قول مساعد دولت قوام در اصلاح قانون انتخابات با تشکیل مجلس پانزدهم در این میان نقش تعیین‌کننده داشت. خانم مهرانگیز دولت‌شاهی از اعضای هیئت تحریریه روزنامه دموکرات ایران (مکی 1368: 26؛ دموکرات ایران 1325ش مخصوص: 5) طی مقاله‌ای ضمن ابراز امیدواری در عمل به این وعده، انگیزه زنان را از پیوستن به حزب دموکرات جسارت و جرئت این حزب می‌داند که برخلاف سایرین تنها به حرف اکتفا ننموده و با وجود طعن مدعیان و ایرادات مقدس‌نمایان، در راه تساوی حقوق زن و مرد مندرج در مرام‌نامه خود پافشاری و مبارزه کرده است. (دولت‌شاهی 1325: 4)

اهداف سازمان زنان حزب تلاش برای برقراری تساوی حقوق زن و مرد در قوانین کشور به ویژه دفاع از زنان در برابر حقوق زناشویی ظالمانه، ارتقاء سطح فکر و زندگی زنان از طریق آشنا نمودن آنان با وظایف و حقوق خویش و اصلاح امور فرهنگی و بهداشتی و اجتماعی بود. با وجود اینکه سازمان زنان قصد خود را برای تعلیم زنان داوطلب شهرهای دیگر جهت تشکیل و گسترش شعبات سازمان زنان اعلام می‌کند (دموکرات ایران 1325، ش 2: 2؛ نجات ایران 1325، ش 1: 776 و ش 4: 747) اما از تشکیلات زنان حزب دموکرات در شهرهای دیگر اطلاعی در دست نیست، جز زمانی که قوام در 26 آبان به رشت سفر می‌کند و از طرف تشکیلات زنان بانو سمیعی، به وی خیر مقدم عرض می‌کند. از استقبال زنان شهرهای مختلف چون ساری و همدان و اندیمشک و... از قوام و رهبران حزب دموکرات نیز خبر می‌رسد که جز مشارکت سیاسی بسیجی و منفعلانه به ویژه در حمایت یک حزب دولتی نمی‌توان از آن تعبیر دیگری داشت.¹ (بهرام 1325، ش 5: 1 و، ش 7: 4؛ مؤمن 1381: 1-66؛)

اقدامات سازمان زنان حزب فهرست‌وار عبارت‌اند از: مبارزه با بیکاری و اقدامات عام-المنفعه؛ کلاس‌های متعدد آموزشی و اکابر؛ دایر کردن جلسات مشاوره حقوقی؛ ایجاد

1. برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به (بهرام 1325، ش 14: 2، دموکرات ایران، 1325، ش مخصوص: 5، زندگی 1325،

ش 319، 2؛ دموکرات ایران 1325، ش 63)

اندرزگاهی برای تأمین بهداشت عمومی، کنفرانس‌ها و سخنرانی‌های هفتگی در رادیو به منظور آشنا نمودن جامعه زنان ایرانی به حقوق و وظایف خود، ایجاد سازمان دوشیزگان و تأسیس باشگاهی و قرائت‌خانه‌ای. هیئت مدیره و عامله سازمان زنان با توجه به معلومات و درجه تحصیلات هر یک از اعضا، حوزه‌های عدیده‌ای دایر نمودند که هفته‌ای یک‌بار تشکیل و در آن تعلیمات حزبی داده می‌شد (نجات ایران، 132، ش 1: 822، 2؛ دموکرات ایران، ش 104: 2).

این اقدامات با عملکرد حزب زنان که بیشتر به کار فرهنگی می‌پرداخت، تفاوت چندانی نداشت. ظاهراً حضور و سخنرانی اعضای سازمان زنان در کنفرانس‌های هفتگی و عمومی و انتخاباتی حزب و تشکیل کنفرانس‌های مخصوص زنان عضو¹ (دموکرات ایران 1325، ش 62: 4؛ نجات ایران، 1325، ش 1: 736) که شرح آن‌ها در هیچ‌کدام از نشریات حزب چاپ نشده است، امکان کسب تجربه در زمینه فعالیت سیاسی در کنار مردان را به زنان می‌داد. اما اخبار معدود فعالیت سازمان زنان در نشریات حزبی، آن‌هم فقط در جریان فعالیت‌ها و اجتماعات تبلیغی حزب (زندگی 1325، ش 1: 342) در عین حال نبود نشریه‌ای ویژه زنان نشان‌دهنده جایگاه پایین این سازمان در حزب است.

سازمان‌های حزبی به صورت سلسله‌مراتبی بوده و سازمان‌های وابسته مانند سازمان زنان زیر نظر مستقیم کمیته‌های حزبی انجام وظیفه نموده و از طریق کمیسیون تشکیلات کل با کمیته‌های مرکزی ارتباط داشتند. ظاهراً سازمان زنان در جریان انتخابات کمیته‌های حزبی مشارکت داشت و طی اولین مجمع حزبی تهران و حومه در 21 اسفند در میان 19 نفر اعضای کمیته، خانم دولتشاهی به همراه آقایانی چون آرامش، شاهنده، محمود محمود و غیره، و در میان 15 نفر از کمیسیون تفتیش، خانم فخرایی و خانم ملک آرا در کنار آقایان نوری آشتیانی، سید هاشم و کیل و... انتخاب شدند² (دموکرات ایران 1325، ش مخصوص 1: 8، 11) اما گزارش

1. و نیز رجوع کنید به. (دموکرات ایران 1325، ش 84: 1، 1326، ش 186: 2؛ نجات ایران 1325، ش 788: 4)

2. و نیز رجوع کنید به (دموکرات ایران، 1325، ش 97: 3 و ش 99: 2؛ و ش 112: 1)

یا سندی از نقش این زنان در تصمیم‌گیری‌های حزب به دست نیامد و علت این امر را باید در دولتی و شخصی بودن حزب نیز جستجو نمود.

هرچند فرجام بد حزب دموکرات موجب بی‌اعتمادی مردم را به شخصیت‌هایی چون قوام بیشتر کرد و در روند مشارکت اجتماعی در فرهنگ سیاسی جامعه اثرات نامطلوبی به جا گذاشت (نامه مردم 1326، ش 1: 121، 2)، فعالین جنبش زنان با عضویت در این حزب نه تنها در بهبود زمینه‌های مشارکت زنان و ارتقاء سطح آموزش و بهداشت ایشان، همکاری فعالانه دولت و شخصیت‌های حزبی را به دست آوردند (خانم تربیت 1325: 1، 5؛ قیام ایران 1326، ش 1: 188، 4)، بلکه حتی شورای زنان پس از سقوط حزب دموکرات نیز برخی از نمایندگان وابسته به آن چون دکتر طبیا و اردلان را در جبهه خود داشت (صلاح ایران 1326، ش 9: 1؛ ستاره 1326، ش 1: 2836، 3). به نظر می‌رسد سخنرانی دکتر طبیا از جانب فراکسیون دموکرات در جلسه 17 و 22 دی ماه 1326 مجلس پانزدهم که رأی اعتماد به دولت حکیمی را منوط به اصلاح قانون انتخابات و اعطای حق رأی به زنان نمود، نتیجه همین رایزنی‌ها بود (صدای مردم 1326، ش 197: 1 و 3؛ مذاکرات مجلس پانزدهم، 1326؛ جلسه 37 و جلسه 38).

با اینکه در نتیجه اختلافات ایدئولوژیکی زمینه مساعد ائتلاف نیروی زنان مبارز در حزب توده و جنبش مستقل زنان که اکنون با حزب دموکرات پیوستگی داشت از میان رفت (افخمی 1381: 37-38)، قرائن نشان می‌دهد حضور و همکاری تعداد بسیاری از زنان در حزب دموکرات حتی پس از حذف این حزب از صحنه سیاسی، زمینه‌ساز تقویت شبکه ارتباطی وسیع و همگرایی جنبش زنان و ائتلافی از سازمان‌های مستقل زنان با دیدگاه‌های مختلف سیاسی در سال 1946 در «انجمن ملی زنان» شد. (احمدی خراسانی و اردلان 1382: 439، 436؛ پایدار 1378: 78)

در سال‌های حکومت قوام، بیکاری و نارضایتی ادامه یافت¹ و وضع طبقه کارگر، به‌ویژه زنان، همچنان نابسامان بود. رسیدگی به وضع کارگران از برنامه‌های دولت بود که برای

1. فقر و بیکاری بارها اسباب زحمت و دردسر قوام را فراهم نموده بود. چنانکه در 3 تیر 1325 تعداد زیادی زن و مرد بیکار و گرسنه در برابر شهرداری اغتشاش نموده و سمت آن‌ها که قسمت اعظم آنها زن بوده‌اند و تقاضای کار و نان داشتند تیراندازی

کاهش نفوذ حزب توده در میان کارگران دنبال می‌شد و قانون کار در همین دوران تصویب شد که بر اساس آن کارگران زن از دوازده هفته مرخصی زایمان با حقوق برخوردار شدند (همان: 82). در ماده 7 آیین نامه حداقل دستمزد که قدم مهمی در اجرای مرامنامه حزب بود، حداقل دستمزد کارگر زن نمی‌توانست از نصف حداقل دستمزد کارگر مرد کمتر باشد و این راه زیادی با آمل زنان مترقی یعنی تساوی حقوق زن و مرد داشت (دموکرات ایران 1325، ش مخصوص: 5، 9).

تنها سند حمایت اتحادیه سندیکاهای کارگری ایران (اسکی) وابسته به حزب دموکرات، حمایت از اعتصاب کارگران زن در شرکت دخانیات، در اعتراض به کاهش دستمزدشان بود (دموکرات ایران 1326، ش 1: 163). بر اساس یک گزارش منحصر به فرد، ظاهراً به منظور ایجاد رفاه و تأمین منافع بانوان کارمند، اسکی اتحادیه‌ای به نام اتحادیه بانوان کارمند ایجاد و از کلیه بانوان کارمند دعوت کرد تا برای تحقق هدف آن؛ یعنی تأمین منافع طبقات بانوان نام‌برده همکاری کنند (کارگران ایران 1326، ش 4: 74)، اما از اقدامات بعدی این اتحادیه سندی وجود ندارد. با وجود این، در اواخر کار حزب، در سال 1326، در نشریه **صلاح ایران** این خبر منتشر می‌شود که به دلیل بی‌توجهی دولت‌ها به حقوق و سرنوشت زنان کارگر و کارمند با وجود ایجاد وزارت کار و تدوین آیین‌نامه‌ها و مقررات کارگری، زنان کارمند به فکر افتاده و عده‌ای از بانوان، اتحادیه‌ای به نام اتحادیه بانوان کارمند تشکیل داده و تصمیم دارند برای گرفتن حقوق زنان ایران، به خصوص زنان کارمند و کارگر و زحمتکش مبارزه بی‌سابقه‌ای را شروع کنند و به این جهت از کلیه بانوان و دوشیزگان کارمند برای ثبت نام دعوت نموده‌اند (صلاح ایران 1326 ش 1: 4، 6). یکی از جلسات این اتحادیه در 17 دی 1326 برگزار شد که عده زیادی از بانوان ترقی‌خواه ایران در آن شرکت کردند و خانم‌ها؛ فرمانفرمائی، سنجابی و بهرامی سخنرانی‌های جالبی ایراد نمودند. این اتحادیه در امور خیر مانند دادن پارچه پالتویی به کودکان اعضای بی‌بضاعت نیز فعال بود)

می‌شود و آنان نیز مدیر «انسان آزاد» را که قصد داشت نطق نموده و از اعلامیه قوام می‌گفت پایین کشیده و به او حمله کردند. ظاهراً این افراد توسط دشمنان قوام تحریک شده بودند. به نقل از (ایران ما، 1325، ش 1: 565 و 2)

صلاح ایران 1326، ش 4). شاید به دلیل عضویت بانوانی چون خانم فرمانفرمائیان در حزب دموکرات و اتحادیه مزبور، بتوان این دو را یک سازمان، یا یکی را مقدمه دیگری دانست.

4. نقش بازدارنده حزب دموکرات ایران در مشارکت زنان

گاهی نقاط روشنی از بسترسازی نقش فعالانه زنان در سطوح بالای حزب می‌بینیم؛ چنانکه به دستور جناب اشرف، بانو ناهید فخرایی از جانب سازمان زنان در سفر به آستارا حامل پیامی از طرف قوام برای اهالی این منطقه شد (دموکرات ایران 1325، ش 69: 1، 3، ش 1: 77، 4). بر اساس سند به دست آمده به نظر می‌رسد تنها رساندن پیام قوام مأموریت زنان اعزامی نبوده و در گزارش ناهید فخرایی به قوام در 8 بهمن 2513 در خصوص اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و امنیتی این منطقه اطلاعاتی جمع آوری گردیده و جهت موفقیت حزب برای تأسیس شعباتی در این ناحیه راه کارهایی ارائه شده است (طیرانی 1376: 673-672). اگر با حسن نیت قضاوت نماییم، شاید شخص قوام بر خلاف تفکر معمول جامعه و احزاب مردسالار که زنان را صرفاً مناسب انجام کارهای عام‌المنفعه تشخیص می‌دادند سعی داشت تا با این اقدام به ارتقاء وجهه زنان در حزب و حس ارزشمندی ایشان کمک نماید و البته زنان عضو نیز بسیار از این اقدام وی در سخنرانی‌های خود در رادیو و... تمجید نمودند (دموکرات ایران 1326، ش مخصوص: 9)، اما چنین نمونه‌هایی نادر بود و عملکرد کلی حزب را در مورد راه‌یابی زنان به بخش‌های تصمیم‌گیری حزبی نمی‌توان چندان مثبت ارزیابی کرد. در ضمن گزارش‌ها از مهم‌ترین اجتماع سازمان زنان که به مناسبت صدمین روز تشکیل حزب دموکرات و با دعوت از هیئت دولت، مدیران جرائد، نمایندگان احزاب آزادی‌خواه و سایر سازمان‌های زنان، سوم آبان در محل باشگاه مرکزی حزب برگزار شد، فضایی کاملاً اشرافی و مختص طبقات بالای جامعه را ترسیم می‌کند (زندگی 1325، ش 326: 2). این اجتماع زنان روشنفکر طبقات بالا که خانم دولت آبادی و خانم

1. برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به (دموکرات ایران 1325، ش 4: 2؛ و ش 2: 2؛ نجات ایران 1325، ش 775: 4، و ش 776: 1،

تربیت نیز در آن حضور یافتند این معنی را می‌رساند که زنان فعال در جنبش زنان با ایجاد هرگونه مرکز قدرتی که به مسائل زنان کوچکترین توجهی نشان می‌داد، فوراً به دور آن حلقه زده و اختلافات را کنار می‌گذاشتند. کیش شخصیت در حزب دموکرات برای زنان پیشرو که دست پرورده رضاشاه بودند، تازگی نداشت؛ چنانکه در همین اجتماع پس از سخنرانی آقای ارسنجانی در شرح خدمات قوام، خانم مهرانگیز دولتشاهی انصاری برخاسته و به نام سازمان زنان دموکرات ایران چنین گفت:

«حزب دموکرات طبقات مختلف را نمی‌شناسد. زن و مرد را در خود قبول می‌کند و ملت را به هم نزدیک می‌سازد تا همه اختلافات سابق را فراموش کنند و به رهبری "پدر خانواده ایرانی" آقای قوام السلطنه در شاهره ترقی قدم نهند.» (نجات ایران 1325، ش 1: 775، 4)

اما عکس‌ها و گزارش جشن سازمان زنان به مناسبت دومین سال تأسیس حزب در شنبه 13 تیر 1326 با حضور هیئت دولت و اعضای کمیته مرکزی و نمایندگان مجلس و... مجلس گفت‌و- گوی رجال حزبی را ترسیم می‌کند که در آن به جای درج سخنرانی‌های زنان در مورد مطالباتشان مطابق برنامه از پیش اعلام شده سازمان، تنها به حضور عده‌ای از اعضای سازمان بانوان سر میز شام اشاره‌هایی می‌شود¹ (نجات ایران 1326، ش 1: 851). حزبی که در سال 1325 برای تبلیغ قدرت خویش در جشن صد روزه خود زنان عضو را برای رژه به خیابان‌ها کشانده و اتهامات و حملات بسیاری را از جانب حزب توده و سایر احزاب رقیب مانند حزب مردم به جان خریده بود² (فرمان 1325، ش 1: 1056، 2؛ رضوانی 1325: 4؛ سازمان زنان، دموکرات ایران 1325، ش 1: 4، 4) و شاید با اجرای این رژه در مقابل انبوهی از مردم تا حد زیادی توانسته بود دیدگان و اذهان مردم را با حضور و مشارکت زنان در جریانات سیاسی مأنوس و قبح این امر را در نظر عوام کم‌رنگ کند³ (نجات ایران 1325، ش 1: 771، 2)، اکنون در سال 1326 با کاهش اعتبار حزب توده و خلاصه شدن رسالت حزب دموکرات در به‌دست آوردن اکثریت مجلس، دیگر لزومی برای

1. برای آگاهی بیشتر رجوع کنید به (نجات ایران 1326، ش 1: 852، 4، و ش 1: 855؛ و ش 1: 853)

2. (فرمان 1325، ش 1: 1056، 2؛ و ش 1: 1057، 4؛ و رهبر 1325، ش 4: 848؛ و افخمی 1381: 37-36)

3. (نجات ایران 1325، ش 1: 776، 3؛ دموکرات ایران 1325، ش 1: 2، 6)

مشارکت زنان نمی‌دید. حقیقت آن است که در عمل برای حزب دموکرات تبلیغ برای حزب همواره با حضور زنان عضو همراه بود (تهران مصور 1334، ش 13:623)

این نقش با واگذاری مسئولیت کمک به مستمندان آستارا و شهرهای زنجان به سازمان زنان تشدید شد و نام قوام در رأس کمک‌دهندگان در نشریات حزب درج شد.

مسلم است در فضای پر هرج و مرج دهه 20 برای فعالین جنبش زنان آسان‌تر بود که به جای بحث کردن با تعداد بسیاری از روشنفکران سست‌عنصر در مجلس و احزاب، که با سلاقی مختلف و در جریان زد و بندها سریع تغییر موضع می‌دادند و از هرگونه اقدامی که موقعیت آنان را به خطر اندازد اجتناب می‌ورزیدند، تنها بر جلب رضایت و موافقت یک نفر متمرکز شوند که قدرت را در تصاحب خویش دارد، به‌ویژه که سوابق مبارزات حزبی در ایران نویددهنده نبود؛ از این رو شاهد مقالات متعددی از جانب این زنان در حمایت از اصلاحات و برنامه‌های دولت قوام هستیم (دولتداد 1326:9؛ انصاری 1325:1، 4؛ فخرایی 1325:1، 2). از دید زنان حزب، قوام جای رضاشاه را به‌عنوان ناجی زنان گرفته بود. بنابراین، همان ستایش و تملق را در مقالات خود به وی ابراز داشته و توجه مخصوص وی را بهترین پاداش خود می‌دانستند (طیرانی 1376:524) و اقدام حزب دموکرات را درباره زنان دنباله نهضت زنان دوران رضاشاه قلمداد می‌کردند (دموکرات ایران 1325، ش 1:58، 4). این زنان با توجه به وعده‌های مساعد حزب، اعطای حقوق سیاسی در مجلس پانزدهم را تحقق یافته دانسته و حتی برای دوران پس از کسب کرسی پارلمانی نیز برنامه داشتند، چنانکه دکتر سیاح از رهبران حزب زنان و از اعضای حزب دموکرات در پاسخ این سؤال مجله بانو در آذر 1325 که «خانم! اگر به مجلس شورای ملی رفتید چه خواهید کرد؟» پروگرام حزب را برای فعالیت پارلمانی در آینده روی کاغذ آورد (گلبن 1354:150 - 148)، بنابراین، برخلاف سابق، هم‌زمان با فعالیت حزب دموکرات تلاش جدی از طرف سازمان زنان حزب یا شورای زنان (حزب زنان) در زمینه حقوق سیاسی زنان مشاهده نمی‌شود، اما با از هم پاشیدن جمهوری‌های خودمختار و در پی آن تضعیف حزب دموکرات که به جناح راست گرایش پیدا کرده بود، همه امید زنان نقش بر آب شد. این پس‌رفت تا آنجا رسید که در سال 1326 برخی از نشریات متمایل به حزب دموکرات منکر اشغال کرسی‌های مجلس توسط

زنان و ورود ایشان به معرکه سیاست شده و تنها امور عام المنفعه را برای زنان تجویز می نمودند (یونسی 1325: 1). شورای زنان ایران که از این وضع، سرخورده بود، علت اصلی محروم بودن دوباره زنان را در مجلس پانزدهم، همراهی نکردن و نداشتن اتحاد زنان در مبارزه برای حقوق سیاسی زنان دانست (ندای زنان 1326، ش 8: 1، 4 و ش 9: 1، 3).

به هر روی با از دست رفتن همه امیدها برای کسب حقوق مساوی، این زنان مأیوس شده و تنها عناد و دشمنی با حزب دموکرات و بی اعتمادی به فعالیت‌های حزبی در میان آن‌ها باقی ماند؛ چنانکه ملک فرمانفرمائی‌ان از اعضای حزب دموکرات ایران در نشریه صلاح ایران بارها بر ضد حزب دموکرات، که مردم و بالطبع این زنان را فریب داده بود، مطالبی نوشت (فرمانفرمائی‌ان 1326: 6).

«... یکبار این ملت بیچاره را حزب توده طرفدار خود قلمداد کرد؛ یکبار حزب دموکرات فریبش داد... مسلماً از همان‌هایی که تا دیروز برای توده و دموکرات فریاد زنده باد- مرده باد می کشیدند امروز برای پیشرفت این مقصود جدید که گویا به تحریکات اجنبی‌هاست و فقط منحصر به ایران نیست، استفاده خواهد شد...» (صلاح ایران، 1326، ش 4)

مقصود بانو فرمانفرمائی‌ان از «این مقصود جدید» بالا گرفتن موج تحریکات علیه بی‌حجابی و فعالین جنبش زنان توسط گروه‌های متعصب مذهبی بود که دوباره قدرت یافته بودند. قوام با ایجاد محدودیت‌هایی برای گروه‌ها و نشریات مذهبی مانند «دنیای اسلام»، «نامه آزاد» و «پرچم اسلام» به دلیل تحریک به تظاهرات علیه زنان بی‌حجاب و دستگیری آیت‌الله کاشانی، به دلیل سازمان دادن اعتراضات بازار علیه دولت (روستایی، سلامی 1377: 903-902، 464-458؛ آبراهامیان: 288)، جبهه ارتجاع را تضعیف نموده و باعث شده بود تا زنان پیشرو تنها راه مبارزه با کهنه-پرستان را فعالیت در حزب دموکرات بدانند (شاهنده 1325: 2-1)، اما اکنون با تضعیف و سپس انحلال حزب، باز هم، گروه‌های مرتجع قدرت یافتند، در حالی که گروه‌ها و احزاب آزادی‌خواه دیگر رمق و انگیزه‌ای برای ایستادگی در برابر آنان نداشتند؛ زیرا حزب دموکرات با عملی نساختن وعده‌های اصلاح‌طلبانه خود و با دامن زدن به جو مخالفت با احزاب آزادی‌خواه-که مردم از تظاهرات پوچ و بی‌سرانجام آنان در سال 1325 و از شنیدن و دیدن مجالس خوش-

گذرانی هر روزه آنها که زنانی هم در آن شرکت داشتند، خسته شده بودند¹ - موجب تجدید قدرت گروه‌های مذهبی شد که از فرصت استفاده برده و به تشکل‌های زنان تاخته بودند و در جبران کوتاهی‌های دولت گذشته از دولت جدید بر ضد جنبش زنان امتیاز می‌گرفتند:

«... خلاص، سخن آنکه، شورای زنان که از دیانت اسلام وارد شده و بیانیه صادر می‌کند با یک مشت مردان بوالهوس و هرزه که سنگ حمایت از بی‌حجابی زنان این کشور را برای این به سینه می‌زنند که بی‌پرده با آنها بگویند و بخندند بلکه با آنها نیز برقصند و باده‌گساری کنند و از آنها ببرند، یا با آنها ببازند، بدانند که اگر می‌خواهند با اظهار مسلمانی چنین باشند که جداً بدانند اسلام با این رویه مخالف است و چرا مذهب خود را آشکار نمی‌سازند؟ ای تقو بر آن زنانی که بخواهند بر علیه اسلام و دین محمد(ع) در یک کشور اسلامی در راه آزادی بی‌بندوبار میتینگ بدهند!!!» (تقوی 1326: 1، 4)

در پی قوت گرفتن جریان تندرو مذهبی که مسئله زنان و حجاب را مطابق معمول ابزار خود ساخته بود، واعظینی مانند شیخ علی اکبر تبریزی، شیخ باقر واعظ و حاج میرزا عبدالله واعظ بر سر منابر و مساجد، از آزادی زنان و مندرجات جراید هوادار آزادی زنان انتقاد می‌کردند (تفرشی، احمدی 1371: 218، 221، 243). دیگر مجامع دینی نیز بر سر اجباری نمودن حجاب و امر به معروف با جریان تندرو مذهبی و فدائیان اسلام همراهی نمودند که با ممانعت از ورود زنان مکشفه به مسجد سلطانیه موجب جنجال در نشریات شده بودند (ملکی 1327: 11001-1100).

نتیجه‌گیری

اگر بپذیریم که «حزب» به طور کلی، دارای چهار مؤلفه: سازمان، ایدئولوژی، قانونی بودن و مبارزه برای کسب قدرت است (تبریزینیا، 1377: 24)، به‌سختی می‌توان از حزبی تقریباً دولتی، مانند حزب

1. طبیعت زنان عضو حزب حتی در صورت دوری از این جلسات که به گفته دکتر انور خامه‌ای به کرات با حضور رهبران و اعضای احزابی چون حزب توده، حزب ایران، حزب دموکرات ایران و زنان ایشان برگزار می‌شد، از پیامدهای بد آن در امان نبودند (مصاحبه با دکتر انور خامه‌ای).

دموکرات قوام کارکردهای یک حزب سیاسی را، به شکل تمام و کمال، توقع داشت. با این همه، تاکید کرد که حزب دموکرات برخلاف احزاب دولتی، در فضای متکثر آن سالها مجبور به رقابت با دیگر احزاب بود و قدرتی بلامنازع و انحصاری محسوب نمی شد.

تا آنجا که به حوزه این پژوهش؛ یعنی چگونگی و چرایی نقش حزب دموکرات ایران در مشارکت سیاسی زنان مربوط است، باید - همچنان که در متن مقاله نشان داده شد - تاکید کرد که این نقش، نقشی دوگانه و متضاد بود. از سویی، تأسیس این حزب به افزایش یکباره مشارکت سیاسی بخش گسترده‌ای از طبقات جامعه از جمله زنان انجامید که هرچند عمرش به درازا نکشید، اما تأثیرات خود را بر جنبش زنان و روند مشارکت ایشان به جای گذاشت. حضور زنان در یک حزب، هر چند فرمایشی، دستوری و متکی به شخص قوام را می توان و باید نوعی مشارکت سیاسی برای تأثیر بر سیاست‌های عمومی دانست و بر کارکردهای مثبت آن صحنه گذاشت. جنبش زنان با بهره‌گیری از امکانات حزب دولتی دموکرات، امکان ریزنی با شخصیت‌های وزین و رجال مملکتی را یافت و به‌ویژه در ارتقاء سطح توانمندی زنان گام‌های مؤثری برداشت که عمده‌ترین آن «انجمن معاونت عمومی زنان» بود. حزب دموکرات در مقطعی کوتاه زنان به‌ویژه زنان شاغل و روشنفکر را سیاسی نمود و زمینه مشارکت حزبی و فعالیت سیاسی ایشان را در سطوح پایین حزبی مردانه فراهم نمود. علاوه بر این، برخی از زنان عضو این حزب، روش‌های فعالیت در تشکلی مردانه را تجربه نموده و تعدادی از آنان مانند بانو فخرایی و دولتشاهی بعدها از این تجربیات برای کار در احزاب دیگر و مقامات دولتی بهره بردند.

از سویی دیگر، حزب دموکرات توانست از طریق جلب اعتماد جنبش مستقل زنان و نیز جذب زنان فعال، این جنبش را از یک گروه فشار به یک نیروی حامی دولت تبدیل نموده و در نتیجه مشی مبارزه‌جویانه و پتانسیل جنبش زنان را از بین ببرد. مواضع غیردموکراتیک و منفعت‌طلبانه این حزب دستوری و متکی به کیش شخصیت در جریان انتخابات؛ تاکتیک‌هایی که این حزب در همراهی یا رقابت با حزب توده اتخاذ می کرد، -از آنجا که به سیطره بیشتر جریان تندرو مذهبی به‌عنوان مهم‌ترین مانع پیشرفت اهداف برابری خواهانه جنبش زنان انجامید- به زیان جریان تحزب در ایران و جنبش زنان که با این حزب همراهی کرده بود، منجر شد.

منابع

- آبراهامیان، پرواند. (1377). *ایران بین دو انقلاب: درآمدی بر جامعه شناسی سیاسی ایران معاصر*. ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی ولیلایی. تهران: نشر نی
- افخمی، غلامرضا. (1381). *جامعه، دولت و جنبش زنان ایران 1357-1320*، مصاحبه با *مهرانگیز دولتشاهی*. (بی جا): آرشیو تاریخ شفاهی بنیاد مطالعات ایران. انتشارات بنیاد مطالعات ایران
- آقا بخشی. علی، افشاری راد. مینو. (1379). *فرهنگ علوم سیاسی*. ج 1. تهران: چاپار.
- احمدی خراسانی، نوشین و اردلان، پروین. (1382). *سناتور (فعالیت های مهرانگیز منوچهریان بر بستر مبارزات حقوقی زنان در ایران)*. ج 1. تهران: توسعه.
- انصاری، مهرانگیز. (آبان 1325). «زن و اقتصاد» در *دموکرات ایران*. ش 17
- بانو شاهنده، م. (آذر 1325). «زنان بسوی آینده به پیش» در *دموکرات ایران*. ش 26
- پایدار، پروین. (دی 1378). «تشکل های زنان و عصر ملی گرایی در ایران». ترجمه فرخ قره داغی. *جنس دوم*. ج 4. تهران.
- پیرنیا، منصوره. (1374). *سالار زنان ایران*. (بی جا): مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- تبریزنیا، حسین. (1377)، *برخی علل ناپایداری احزاب سیاسی در ایران*، مشهد: انتشارات سیاوش، چاپ اول
- تقوی، سید محمد علی. (10 بهمن 1326)، «بخوانید و به عظمت ظهور پیغمبر اسلام و تعلیمات عالیہ آن سرور پی برید.»، *دنیا ی اسلام*. سال دوم. ش 60
- خانم تربیت دبیر شورای زنان. (اسفند 1325). «زن بهترین عامل اصلاحات کشور». *کیهان*، ش 1196
- خدایار. (14 خرداد 1325). «منشور ملل متفق که» در فرمان. ش مسلسل 987
- عاقلی، باقر. (1376). *میرزا احمدخان قوام السلطنه در دوران قاجاریه و پهلوی*. تهران: جاویدان.
- دولتداد، عصمت. (13 تیر 1326). «زن ایرانی و جنگ» در *دموکرات ایران*. ش مخصوص.

دولت‌شاهی، مهرانگیز. (2 آبان 1325). «سازمان زنان حزب دموکرات ایران» در دموکرات ایران، ش مخصوص.

رضوانی، سید نعمت‌الله. (19 آبان 1325). «تبلیغات ضد دموکرات»، دموکرات ایران، ش 10.
روستایی، محسن و سلامی، غلامرضا. (1377). *اسناد مطبوعات ایران 1320 - 1332* ج 4، تهران: سازمان اسناد ملی کشور.

ساناساریان، الیز (1384). جنبش حقوق زنان در ایران (طغیان، افول و سرکوب از 1280 تا انقلاب 57). ترجمه نوشین احمدی خراسانی.، چ 1. تهران: اختران.

طیرانی، بهروز (1376). *اسناد احزاب سیاسی ایران (1330 - 1320* ش). ج 1، تهران، پژوهشکده سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.

فاضلی، عبدالرضا. (1378). «مشارکت سیاسی و احزاب؛ جنبه‌های نظری و پیشینه در ایران» در مجموعه مقالات تحزب و توسعه سیاسی. کتاب دوم. تهران: همشهری.

فخرایی، ناهید. (17 آذر 1325). «اول اقتصاد بعد اصلاحات دیگر» در دموکرات ایران ش 31.
فرمانفرماتیان، ملک. (22 دی 1326). «پیشوایان حقیقی دین اسلام باید از عملیات بعضی عناصر خطرناک ممانعت بعمل آورند». صلاح ایران ش 4.

فرمانفرماتیان، ملک. (29 دی 1326). «هیئت حاکمه را باید بدار زد». صلاح ایران. ش 5.
فرهمند، محمد. (19 تیر 1325). «هدف و روش حزب دموکرات ایران» در فرمان، ش مسلسل 1015.

تفرشی، مجید و طاهر احمدی، محمود. (1371). *گزارش‌های محرمانه شهربانی 1328 - 1327*. ج 2. تهران: انتشارات سازمان اسناد ملی ایران.

مؤمن، ابوالفتح. (1381). «فعالیت احزاب سیاسی در همدان 1320 - 1332 ش». فرهنگ همدان. سال هفتم، ش 26.

مدیر شانه‌چی، محسن. (1384). *فرهنگ احزاب و جمعیت‌های سیاسی ایران*. تهران: نگاه معاصر.
مذاکرات مجلس پانزدهم. جلسه 38. ش مسلسل 1533. 22 دی 1326.
مذاکرات مجلس پانزدهم. جلسه 37. ش مسلسل 1532. 16 دی 1326.

- مرتاضی لنگرودی، مرضیه (دی 1384). «زن و حزب در ایران» در نامه، ش 45. مصاحبه با آقای دکتر انور خامه‌ای.
- مصفا، نسرين (1375). مشارکت سیاسی زنان در ایران. چ 1. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- مکی، حسین. (1368). *خاطرات سیاسی*. تهران: انتشارات علمی - ایران.
- ملکی، مصطفی. (3 تیر 1327). «امر به معروف و نهی از منکر». مجله نور دانش. ش 40.
- محمد، گلبن. (1354). *نقد و سیاحت مجموعه مقالات و تقریرات دکتر فاطمه سیاح*. چ 1. تهران: انتشارات توس.
- هوشمند راد، هما. (1360). «بیکار رهایی‌بخش زنان ایران». در اسناد و دیدگاه‌ها: حزب توده ایران از آغاز پیدایی تا انقلاب بهمن 1357، حزب توده ایران. تهران: (بی‌نا).
- یونسی، سلیمان. (4 اسفند 1325). «حقوق زن در اسلام - حقوق زن در جامعه ملل متفق». ستاره غرب. ش 29.

نشریات:

- ایران ما - بهرام - داریا - دموکرات ایران - رهبر - زندگی - ستاره - ستاره غرب - صدای مردم - صلاح ایران - فرمان - قیام ایران - کارگران ایران - کیهان - نامه مردم - نبرد امروز - نجات ایران - ندای زنان - مجله تهران مصور - مجله دنیای اسلام - مجله خواندنی‌ها - مجله نور دانش.